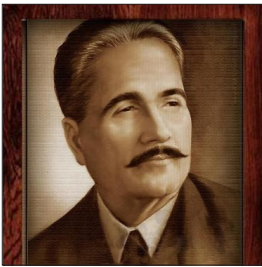


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## آتشی در سینه دارم از نیاکان شما



محمد اقبال لاهوری شاعر، حقوق‌دان و سیاست‌مدار پاکستانی، ۱۸ آبان ۱۲۵۶ شمسی در شهر سیالکوت پاکستان به دنیا آمد. شاعری را از نوجوانی آغاز کرد و از همان آغاز، به شعر او توجه شد. در رشته فلسفه دانشگاه لاهور ادامه تحصیل داد و با اتمام دوره فوق لیسانس، عهده‌دار تدریس در رشته‌های تاریخ، فلسفه و علوم شد. فعالیت وی و ذوق و قریحه‌اش به شعر و فلسفه محدود نبود بلکه در عالم اقتصاد نیز حرفی برای گفتن داشت، تا جایی که در سال ۱۹۰۱ میلادی کتابی در همین زمینه به زبان اردو نوشت. او برای تکمیل تحصیلاتش راهی اروپا شد. در دانشگاه کمبریج فلسفه را ادامه داد و در آنجا فرصت آشنایی با پروفیسور براون و نیکلسون را یافت. پس از کسب درجه فلسفه اخلاق در دانشگاه کمبریج راهی دانشگاه مونیخ آلمان شد و با ارائه پایان‌نامه خود تحت عنوان سیر در فلسفه در ایران موفق به دریافت درجه دکتری شد. او در اروپا در زمینه زبان و ادبیات فارسی به مطالعاتی دست زد و در نتیجه زبان فارسی را به عنوان زبان شعری خود برگزید. البته از او دیوان برجای مانده که یکی به زبان اردو و دیگری به زبان فارسی است. اقبال لاهوری نخستین کسی است که پیشنهاد تشکیل دولت پاکستان را در جلسه سالیانه حزب مسلم‌بیگ در الله‌آباد مطرح کرد. محمد اقبال لاهوری ۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ درگذشت. اغلب ما او را با این شعر مشهور به یاد داریم: «چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما / ای جوانان عجم جان من و جان شما / … حلقه گرد من زنید ای بیکران آب و گل / آتشی در سینه دارم از نیاکان شما…».

### خودزنی / محیط‌زیست

## نیست بالاتر از سیاهی رنگ

از خرس سیاه آسیایی در بشاگرد هر مزگان تصویربرداری شد

بعد از مدت‌ها بالاخره خبری خوشحال‌کننده در حوزه حیات وحش ایران خواندیم، و آن اینکه یکی از دوربین‌های تله‌ای به کار رفته در جریان پایش جمعیت خرس سیاه آسیایی در شهرستان بشاگرد هر مزگان، تصاویر زیبایی از این گونه ارزشمند در مقابل غار محل استراحت حیوان به ثبت رسانده است. به گزارش روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست هر مزگان، حسن پیشوایی یکی از فعالان پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی گفت: این دوربین تله‌ای پیش از این نیز در همین محل تصاویر زیبایی از نحوه ورود خرس به درون غار و همچنین حضور پلنگ ایرانی را به تصویر کشیده بود. پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی از سال ۱۳۹۱ با تدوین یک برنامه راهبردی و بلندمدت، فعالیت خود را با هدف حفاظت از غربی‌ترین پراکندگی خرس سیاه آسیایی در دنیا با سه رویکرد پژوهشی، آموزشی و اجرایی در استان هر مزگان آغاز کرده است. پس از مرگ یک خرس سیاه بالغ بر اثر برخورد با خودروی سنگین در جاده زیارتعلی شهرستان رودان در خرداد ماه سال ۹۳ هیچ موردی از مشاهده زنده یا مرده این گونه در هیچ یک از زیستگاه‌های خرس سیاه در کشور گزارش نشده بود. از میان هشت گونه خرس موجود در دنیا دو گونه در ایران زندگی می‌کنند که این دو گونه شامل خرس قهوه‌ای و خرس سیاه آسیایی است. خرس سیاه آسیایی یکی از گونه‌های آسیب‌پذیر در جهان است که زیرگونه بلوچی، که پراکندگی آن محدود به پاکستان و جنوب شرقی ایران در سه استان هر مزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان است زیرگونه‌ای به شدت در معرض خطر انقراض است. زیستگاه خرس سیاه در ایران تاکنون از جنوب نیکشهر تا سرباز در استان سیستان و بلوچستان و قسمت‌هایی از بشاگرد در استان هر مزگان و بخش‌هایی از استان کرمان از جمله پناهگاه حیات وحش زریاب در شهرستان بم گزارش شده است. از بین رفتن زیستگاه‌های جنگلی خرس سیاه بر اثر خشکسالی، گسترش اراضی کشاورزی به ویژه باغ‌ها و قطع درختان برای استفاده به عنوان سوخت و دیگر مصارف، چرای دام اهلی و فشار آن بر زیستگاه‌های خرس، منجر به افزایش تقابل مردم محلی و خرس سیاه شده است. به نحوی که تخریب کندوهای عسل، تخریب محصولات باغی، حمله به دام و حتی حمله به انسان‌ها توسط خرس سیاه روجه افزایش گذاشته است و در نتیجه تعدادی از خرس‌ها به خصوص توله‌های آنها را مردم بومی اسیر کرده و می‌کشند. خرس سیاه آسیایی هم اکنون در فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN RED LIST) در طبقه در آستانه انقراض (CR) قرار دارد و هیچ آمار مشخصی از تعداد اندک باقیمانده جمعیت این گونه در کشور در دست نیست.
\*\*\*

دیدن این خرس، با آن رنگ سیاه براق در میان صخره‌ها، صحنه باشکوهی است. امیدوارم بیماران روحی-روانی که کاری جز کشتن و پوست کندن و تاکسیدرمی کردن و کباب کردن حیوانات بی‌بناه ندارند، این خرس زیبا را به حال خود بگذارند و دست از سر این یکی بردارند. امیدوارم.



**فارسی را پاس بداریم**

## ما چه «وجود»ی به «عدم» داده‌ایم!

شاهکار است. در جهان نظیر و بدیل ندارد. چنین ابتکاری قطع ممکن است از ایرانیان سر بزند. بی خود نیست که از قدیم گفته‌اند: هنر نزد ایرانیان است و بس. البته هنر داریم تا هنر. بزرگ‌ترین هنر ما ایرانی‌ها خراب کردن است؛ خراب کردن هر چیزی؛ اعم از مادی و معنوی. یکی از چیزهایی که ما ایرانیان در خراب کردنش همه توان هنری خود را به کار بسته‌ایم زبان فارسی است. هر روز و هر ساعت شعیده تا نه‌ای از کلاه زبان فارسی بیرون می‌آوریم. به قول شاعر: هر دم از این باغ بری می‌رسد / تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد…
امروز می‌خواهم شما بزگواران را با چشمه جوشان دیگری از هنر ایرانی در نابودی زبان مادری آشنا کنم. لطفاً به کلمه «عدم» در شاهدمثال‌های زیر دقت کنید:
-الزام به پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد امری اجتماعی و حقوقی است.
- علت عدم قبول خلافت توسط حضرت علی (ع) بعد از قتل عثمان.
- عدم استقبال مردم از طرح پیش فروش اخیر خودروها.

## دستور نویسی برای زبان فارسی در سرزمین ترک‌ها

نگاهی به کتاب «دستور سخن» اثر میرزا حبیب اصفهانی

روزگاری استانبول در عثمانی پاتوق بسیاری از ایرانیان تبعیدی بود، کسانی که هر یک به دلیلی جلای وطن کرده بودند و در این شهر بندری رحل اقامت افکنده بودند. میرزا حبیب که دست‌ی در شعر داشت به دلیل اشعاری که سروده بود انگ مخالفت با حکومت قاجار خورد و سپس برای اینکه راحت‌تر بتوان او را آزار و اذیت کرد، وصله الحاد نیز بدان افزوده شد، از این رو بهتر دید از ایران خارج شود. بنابراین از راه روسیه خود را به عثمانی رساند. میرزا حبیب به دلیل تبحری که در زبان فارسی داشت آموزگاری پیشه کرد و روزگار گذراند. ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه که از جمله متون شاخص در نهضت ترجمه عهد قاجار و همچنین اثری مهم در تاریخ شکل‌گیری نثر جدید است؛ معروف‌ترین اثر او محسوب می‌شود. میرزا حبیب اصفهانی تألیفات دیگری هم داشته که اگرچه شهرتشان به پای سرگذشت حاجی بابا نمی‌رسد، اهمیت آنها چندان کمتر از این کتاب نیست؛ به ویژه کتاب دستور سخن که نشر چشمه به کوشش محسن معینی آن را روانه بازار کرده است. در مقدمه کتاب آمده: «میرزا حبیب سالیان دراز در استانبول معلم زبان و ادبیات فارسی بوده و چون دور از وطن می‌زیسته و در کشور غیر فارسی‌زبان به سر می‌برده، احتیاج فارسی را به تدوین قواعد خوب احساس کرده است. میرزا حبیب دارای ذوقی سرشار و سلیقه‌ای بسیار مستقیم بوده، زبان فارسی و ترکی و عربی و برخی زبان‌های اروپایی را هم خوب می‌دانسته و از آنها در تدوین قواعد فارسی استفاده کرده، بیشتر عمر خود را در تعلیم و تألیف و تصنیف و تتبع و تمرین زبان و ادبیات گذرانده و از همه بالاتر درد و عشق کار داشته و فارسی را برای فارسی دوست می‌داشته است.»

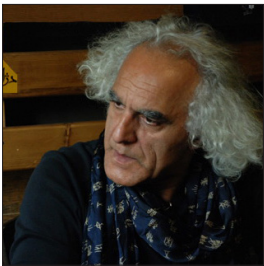
**گردش روزگار برعکس است**



**زرد است که لبریز حقایق شده است/ تلخ است که با درد موافق شده است /شاعر نشدی و گرنه می‌فهمیدی / پاییز بهاری است که عاشق شده است.**
**طرح: آجیم سولاج / آلبانی**

### با کاروان حله / اخبار هنر

## دیوان غربی – شرقی؛ از آلمان تا ایران



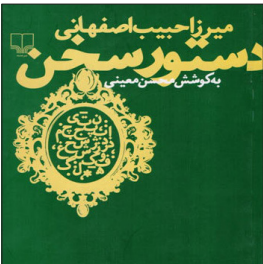
محسن حسینی، از اجرای تازه‌ترین اثر خود در زمستان سال جاری خبر داد و گفت: در حال مراحل پیش تولید پرفورمنس تئاتری بر اساس «دیوان غربی -شرقی» اثر گوته هستیم که نام قطعی این اثر هنوز مشخص نشده است و این نمایش را در ۱۲ تابلو اجرا خواهیم کرد. او ادامه داد: این اثر نود دقیقه‌ای در حال پیش تولید و انتخاب بازیگر است. قصد دارم این پرفورمنس را ابتدا در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و بعد از آن برای اجرای عمومی از ۱۵ بهمن ماه به سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر به صحنه ببرم. این بازیگر تئاتر، با اشاره به اینکه این نمایش هفتمین اثری است که به عنوان کارگردان در ایران به صحنه خواهد برد، یادآور شد: بعد از چهار سال نمایشی را به صحنه خواهیم برد که یکی از سخت‌ترین کارهایی است که تاکنون به صحنه برده‌ام و از بابت اجرای آن بسیار خوشحال هستم.

حسینی با تأکید بر اهمیت این پروژه گفت: ابتدا قرار بود این نمایش به عنوان اثر مشترک ایران و آلمان شکل بگیرد. توافقات اولیه هم صورت گرفت، اما به دلیل بالا بودن هزینه‌ها امکان‌پذیر نشد. همچنان در تلاشم تا بتوانم همکار آلمانی را به ایران بیاورم، چراکه این اثر بلافاصله بعد از اجراهای عمومی اش در ایران در شهرهای برلین، بایمار و فرانکفورت به صحنه خواهد رفت.

این کارگردان تئاتر عنوان کرد: انجام پروژه‌های فرهنگی می‌تواند اقدام بسیار مهمی باشد، به خصوص میان دو کشور ایران و آلمان که روابط فرهنگی بسیار خوبی دارند.

دل را جوبه عشق تو سپردم چه کنم
دل دادم و اندوه تو بردم، چه کنم
من زنده به عشق توام ای دوست ولیک
از آرزوی روی تو مردم چه کنم
(سبف فرغانی، قرن هفتم، رباعیات)

### سوت‌بان



دستور سخن اثر میرزا حبیب اصفهانی به کوشش: محسن معینی نشر چشمه
قیمت: ۱۶ هزار تومان
صفحه ۲۲

هرچند در برخی متون تاریخی اشاراتی به این کتاب شده اما در مجموع «دستور سخن» با وجود ارزش هایش، در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به هر روی میرزا حبیب بعد از دستور سخن، دبستان فارسی و راهنمای فارسی را نیز منتشر کرد که کتاب‌هایی کوچک‌ترند و برای آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان تدوین شده‌اند؛ در حالی که در دستور سخن، نیت او تدوین کتابی برای اهل فن و آنها که جدی‌تر به ادبیات می‌پردازند، بوده است.

هرچند در برخی متون تاریخی اشاراتی به این کتاب شده اما در مجموع «دستور سخن» با وجود ارزش هایش، در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به هر روی میرزا حبیب بعد از دستور سخن، دبستان فارسی و راهنمای فارسی را نیز منتشر کرد که کتاب‌هایی کوچک‌ترند و برای آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان تدوین شده‌اند؛ در حالی که در دستور سخن، نیت او تدوین کتابی برای اهل فن و آنها که جدی‌تر به ادبیات می‌پردازند، بوده است.

(منبع: می‌دومه)

## باران کوثری آوازهای شب را می‌خواند



باران کوثری، نوید محمدزاده، سعید چنگیزیان و نیلوفر زورق بازیگران تازه‌ترین نمایش رضا گوران «شب آوازهایش را می‌خواند» هستند. باران کوثری که پیش از این بر سر صحنه فیلمبرداری یک فیلم آسیب دیده بود، هم اینک برای اجرای نمایش «هم هوایی» به کارگردانی افسانه ماهیان به پاریس سفر کرده و پس از این سفر نیز بر سر تمرینات «شب آوازهایش را می‌خواند» حاضر خواهد شد. رضا گوران

که پیش از این قرار بود «مده» را کارگردانی کند، از نیمه دوم آذرماه نمایش «شب آوازهایش را می‌خواند» نوشته یون فوسه را در ایرانشهر روی صحنه می‌برد. به گزارش روابط عمومی این نمایش، در خلاصه این نمایشنامه که محمد حامد آن را ترجمه کرده، آمده است: «پدر می‌آید داخل، می‌ایستد و بر جا می‌ماند و سر به زیر می‌اندازد. مادر منتظر او بوده؛ سال‌ها است او را ندیده؛ از دیدن او خوشحال است. مادر جایی می‌ایستد و سر به زیر می‌اندزد، پدر به سوی مرد می‌رود. مرد مدت‌هاست پدر را ندیده. مادر نمی‌داند کجاست. پدر از دیدن مرد بعد از سال خوشحال است.» گوران پیش از این نمایش‌های موقعی همچون «مرداب روی بام»، «هملت»، «جاده طولانی ماریچ»، «می‌خوام بخوابم»، «یرما»، «داستان یک پلکان» و «ابراهی پشت پنجره» را کارگردانی کرده که هر یک در دوره‌های مختلف جشنواره فجر موفق به دریافت تندیس شده‌اند. کوثری و محمدزاده پیش از این در نمایش «روایت ناتمام یک فصل معلق» و نیز در فیلم‌های «عصبانی نیستم» و «لاتئوری» همبازی بوده‌اند.

به کار رفته است. حال آنکه این واژه، که از عربی به فارسی سفر کرده است، به هیچ وجه نمی‌تواند چنین نقشی در زبان ما یا حتی زبان عربی داشته باشد. بنابراین در مثال‌های بالا به جای «عدم انجام»، باید گفت یا نوشت: انجام ندادن، به جای «عدم قبول» باید گفت: قبول نکردن یا درست‌تر از آن: نپذیرفتن. به جای عدم استقبال باید گفت: استقبال نکردن. به جای عدم اتمام باید گفت: تمام نشدن و…

نکنه جالب این است که گاهی به «عدم»، «وجود» را هم اضافه می‌کنیم و عبارت هنری «عدم وجود» را خلق می‌کنیم و مثلاً می‌نویسیم: «این حادثه به سبب عدم وجود شرایط مناسب رخ داد». در حالی که می‌توانیم بی آنکه لقمه را به قصد هنرنمایی دور سرمان بچرخانیم بنویسیم: این حادثه به سبب نبود / فقدان شرایط مناسب رخ داد.

کاش روزی برسد که ما ایرانیان هنر مند بفهمیم لازم نیست برای اثبات فضل و علم خود دست به شعبده‌بازی بزنیم. کاش روزی برسد که بفهمیم «نهایت زیبایی در سادگی است».